

ازدهای معدن دوباره «جان» گرفت



صفحه ۲

پاره های پولادین قسمت چهارم: مظلوم یادگار مظلوم



شده در معدن طبس (شهریور ۱۴۰۳) دید که چگونه شرکت بهره‌بردار حتی تجهیزات کافی برای انجام کار را در اختیار کارگران نمی‌گذارد. میل به ماکسیم کردن سود نهایی به هر قیمت کار را به جایی رسانده که حتی از دادن یک لیوان شیر به جهت حفظ سلامتی در محیط‌های آلوده نیز دریغ می‌کنند.

حرف زدن از به کار بردن دستگاه گازسنجی مناسب که دیگر شوخی است!

همین است که در گزارش‌های نهادهای مختلف عدم وجودهای دستگاه گازسنجی مناسب عامل حوادث متعدد معادن زغال سنگ معرفی شده است. با این همه سیاست دولت در این سال‌ها همیشه حمایت از همین جوجه فرعون‌های سرمایه دار بوده. البته با اسم رمز حمایت از بخش خصوصی؛

در این سال‌ها معادن که مشخصاً جزء انفال و ثروت‌های عمومی‌اند به افراد و شرکت‌های خرد و کلانی واگذار شده‌اند که بسیاری حداقل صلاحیت را ندارند و به این شکل ثروتی که متعلق به تمام ملت ماست و با رنج دستان مستضعفین استخراج می‌شود سر از توبره‌های سرمایه‌دارانی در می‌آورد که پشتشان به هزار رانت و زد و بند گرم است.

شاید اینطور تصور می‌شود که گسترش معادن اینچنین و خاموش کردن نظارت دولت به سود مردم بومی باشد. البته اگر بشود روی یک تومن بیشتر یا کمتر اختلاف درآمد کشاورزی و کارگری اسمی گذاشت. با این سیل از تبعات سنگین اجتماعی ناشی از این حمایت‌های بی‌حد و حصر چه خواهیم کرد؟

در حالی که بنا به آمارها در معادن سالی بیشتر از هزار مورد حادثه اتفاق می‌افتد. با این ماشین تولید جنازه و معلول و خانواده

جوانانی است که محکوم به تن دادن به شرایط بهره‌برداران معادن‌اند.

وقتی که خشکسالی و خشک شدن قنات‌ها یا خشکانده شدن قنات‌ها کشاورزی که شغل دیرین مردم منطقه بوده است را تحت تاثیر قرار داد، گذران زندگی هم برای ساکنین به دست‌انداز افتاد، این شد که آنان که توانستند دست زن و بچه را گرفتند و به حاشیه شهرهای بزرگ مهاجرت کردند و آنهایی که همین را هم نتوانستند این چنین گرفتار استثمارگران کویر شدند.

وقتی تنها گزینه پیش رو برای بقای حداقل زندگی امضا کردن پای قراردادهای استعماری کارفرمایان باشد، حرف از چانه زدن اضافه است، بسیاری از کارگران معدن پای قراردادهایی را امضا کردند که کمتر از چک سفید امضا نبوده. قراردادهایی که اختیارات بی‌شمار و وری تصور به کارفرمایان می‌دهند و بعضاً حقوق طبیعی کارگران را به دست خودشان سلب می‌کند.

بالا نگه داشتن چماق تهدید به عدم تمدید قراردادهای، استرس مضاعف و دائمی از دست دادن شغل را به کارگران وارد می‌کند و کارگران برای هر اعتراضی، حتی درمورد حقوق قانونی و حفظ سلامتی خود با تردید مواجه‌اند.

قدرت نامحدود قراردادهای روحیه فرعون‌ی کارفرمایان را بیدار کرده و بهره‌برداران معادن عموماً از همین قدرت ۱۰۰ درصد استفاده را می‌کنند و معدنچیان را با این حیل وادار می‌کنند بدون هیچ مقاومتی وارد تونل‌های مرگ آلود و نایمن شوند تا با خود مرگ گلاویز شده و قطعات سنگ را به جیب بهره‌برداران بی‌اندازند.

گوشه‌ای از این استعمار عجیب و غریب را می‌توان در پوتین‌های پاره کارگران کشته

سرمقاله

ازدهای معدن دوباره «جان» گرفت

علی میرحسینی - سردبیر نشریه

بسم الله الرحمن الرحيم

فرو رفتن به قعر تونل‌های معدن زغال سنگ چه معنایی دارد؟ برای افرادی که از فضاهای تنگ و محبوس شدن هراس دارند، احتمالاً کابوسی وحشت زاست و برای معدنچیان جزئی از فعالیت‌های روزانه.

حرکت در تونل‌ها آنقدر ادامه پیدا می‌کند که صدها متر و گاهی چند کیلومتر از تنها نقطه اتصال به زمین دور می‌شوند، تنهای تنهای تنها... دور از آدم و آدمیزاده‌ها...

وقتی خبر کشته شدن آن هفت معدنچی در مهماندوبه دامغان را شنیدم به آن لحظه‌ای فکر کردم که آن گاز شیطانی در تونل‌های تاریک می‌پیچید و وارد ریه معدنچیان جوان می‌شد. چگونه مرگی را رقم می‌زد؟ تنگ شدن نفس و خفگی عجب حالت غریبانه‌ای است...

بلافاصله بعد از حادثه معدن دامغان حادثه دیگری در معدن بجستان جان کارگر دیگری را گرفت و چند روز بعد حادثه در معدنی دیگر... مشخصاً شروع سال جدید برای خانواده‌های زیادی با داغ عزیز همراه بوده.

کار کردن در چنین محیط‌های پر خطری هرگز انتخاب کارگران نبوده‌است، بلکه نظام‌های سیاسی و اقتصادی کشور این چنین شرایطی را به آنان تحمیل کرده‌اند. غرب خراسان‌ها و سمنان امروز مملو از

بی‌سرپرست چه می‌کنیم؟!

با نسل آینده‌ای که به خاطر این شرایط تحمیل شده به پدران از امکانات رشد، مانند تحصیل مناسب و.. محروم شده‌اند چه؟!

ببینید که تبدیل شدن استان های کویری به چرخ عصاره از کارگران ادامه حیات این ملت را با چالش مواجه می‌کند.

رها کردن مسئولیت حفظ جان کارگران به این کارفرمایان و بهره‌برداران با این حساب عاقلانه نیست؛ دولت و تمامی دستگاه‌های جمهوری اسلامی باید از پایمال شدن حق کارگران در این بلبشو جلوگیری کنند و به وظیفه خود برای حفاظت از جان و دسترنج مردم توجه داشته باشند.

این بار هم با جریحه‌دار شدن اذهان

عمومی بعد از حادثه، دولت و دولتی‌ها به پیام تسلیتی به انضمام دستور ویژه رئیس قوه و قوه‌ها بسنده کرده‌اند تا بحث‌ها به پس از اعلام نتیجه کارشناسی و افتادن آب‌ها از آسیاب به تعویق بیفتد.

معدن دامغان هم درست مانند معدن طبرس و طزره و زمستان یورت؛ دستور ویژه و محکومیت بهره‌بردار به علت عدم رعایت نکات ایمنی و پس از مدتی دوباره بازگشایی همان تونل‌های غیر ایمن به دست همان بهره‌برداران مجرم.

بازرسی دستگاه‌های دولتی از معادن به میانگین کمتر از دو نوبت در سال رسیده است درحالی که در این شرایط تنها ابزار دولت برای حفاظت از جان کارگران همین بازرسی هاست. چرا این فرمان‌های ویژه بررسی علل حوادث، هیچ وقت

باعث رفع ضعف های ساختاری نمی‌شوند؟! چرا با وجود مطالبات زیاد برای حذف قراردادهای موقت و سفید امضا - که خودش مصیبت دیگری‌ست - تا امروز هیچ قدمی برای اصلاح برداشته نشده است؟!

دولت‌ها تا کجا قرار است چشمان خود را ببندند و اگر هم کار بالا گرفت، با ارسال ستون یگان ویژه سر و ته قضیه را هم بیاورند؟! اغتشاشگر و طغیانگر واقعی کسان دیگری هستند که بیشتر رها شده‌اند.

دولت‌ها باید از حداکثر اهرم‌های فشار خود - حتی اهرم تعطیل کردن واحدهای متخلف - نهایت استفاده را برای سامان دادن اوضاع بکنند. در غیر این صورت با رشد روز افزون حوادث منجر به فوت در معادن، به زودی کار از کار خواهد گذشت.

پاره‌های پولادین

قسمت چهارم مظلوم یادگار مظلوم

مصطفی یاسایی

در قسمت قبل موضوع تاریخچه ادیان و مذاهب و احزاب سیاسی موجود در لبنان را مورد بررسی قرار دادیم، در این قسمت به ادامه آن می‌پردازیم.

همانطور که گفته شد لبنان چهار راه ادیان و مذاهب و فرق مختلف بوده و در این میان مسلمانان به ویژه شیعیان از نقش و جمعیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند.

شیعیان از دیرباز بخش قابل توجه جمعیت لبنان را تشکیل داده‌اند. اگر از نظر تاریخی نیز نگاه کنیم، مذهب شیعه در شامات به ویژه در لبنان مرهون تلاش های ابوذر غفاری، صحابی گرانقدر پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) است.

ابوذر غفاری در زمان خلیفه دوم به منطقه شامات تبعید شد و با کجروی‌ها و انحرافات دین - که به وسیله معاویه به وجود آمده بود - مبارزه کرد. او در منطقه «میس الجبل» ساکن بود که این منطقه واقع در جنوب لبنان امروزی است، منطقه جبل عامل نیز در نزدیکی مرز با فلسطین اشغالی است.

بنابراین می‌توان ریشه شیعیان این منطقه را به تلاشهای جناب ابوذر غفاری نسبت داد.

جنوب لبنان و منطقه ای که به نام جبل عامل مشهور است مهد تفکر و تربیت عالمان بزرگ شیعی در طول تاریخ اسلامی بوده است. محمد بن جمال الدین مکی عاملی معروف به شهید اول و زین الدین بن علی جبعی معروف به شهید ثانی از عالمان طراز اول در علوم اسلامی و فقه شیعی، محقق کرکی و همچنین شیخ بهاء الدین حر عاملی معروف به شیخ بهایی، از جمله این عالمان بزرگ این خطه می‌باشند؛ گستره عالمان مذهب تشیع محدود به این چند تن نیست این در حالی است که شیعیان کل منطقه شامات علی‌الخصوص منطقه لبنان همواره در زیر ظلم حاکمان مختلف بوده‌اند.

از دوران بنی امیه و بنی عباس گرفته تا

می‌باشند؛ اینها همان شیعیانی بودند که در دوره عثمانیها مذهب خود را تغییر داده‌اند.

برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به کتابهای «لبنان» از شهید چمران، «مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران و جنبش اصلاح طلبی شیعی» و «علماء ادبای جبل عامل»

با تمام این مشکلات و سختی ها شیعیان ساکت ننشستند و مبارزات خود را علیه ظلم عثمانی‌ها آغاز کردند و هرگز تسلیم ظلم عثمانی نشدند اما عثمانی‌ها نیز برای نابودی شیعیان با پایه گذاری فتوالبیسم در جهت نابودی معیشت‌شان تلاش کردند. فتوودال در لغت به معنای زمین دار بزرگ است. عثمانیها زمینهای مردم را در لبنان و فلسطین تصاحب کردند و به سرمایه داران ترک تبار خود که به پاشاها معروف بودند هبه دادند.

این پاشاها نیز به استثمار مردم بیچاره شیعه جنوب لبنان پرداختند و مشابه همین هم در سرزمین فلسطین اتفاق افتاد و یک نظام کثیف ارباب و رعیتی را به وجود آوردند. ناگفته نماند همین پاشاها زمینهای فلسطینیان را به یهودیهایی صهیونیست فروختند و زمینه را برای ایجاد دولت صهیونیست آماده کردند.

حکومت عثمانی به ظلم خود از یک طرف و شیعیان به مبارزات خود از طرف دیگر ادامه دادند. تا اینکه جنگ جهانی اول رخ داد و حکومت جبار عثمانی سرنگون شد و فروپاشید.

با فروپاشی این حکومت سرزمین لبنان تحت سرپرستی (قیمومیت) فرانسوی‌ها درآمد و از طرفی مبارزانی چون امام سید عبدالحسین شرف الدین و ادهم خنجر نیز برای مبارزه با استعمار فرانسه وارد میدان شدند.

*در قسمت بعد به تلاشهای مرحوم امام شرف الدین و امام موسی صدر می‌پردازیم.

حکومت ممالیک تا حکومت ایوبیان و بعد تر حکومت عثمانیان شیعیان همواره مورد ظلم و ستم شدید قرار گرفته‌اند. فقط در زمان کوتاه سیطره حکومت فاطمیان مصر بود که شیعیان منطقه لبنان اندکی طعم فضای آزادی و عدالت را می‌چشیدند. ولی به غیر از آن، آنها دائماً در فقر و محرومیت بوده‌اند.

این ظلمها و محرومیت در از دوره عثمانی به بعد به حد اعلی خود میرسد. در حکومت عثمانی شیعیان از امکانات شهری محروم بودند و حق تحصیل نداشتند؛ آنان فقط به کارهای سخت و طاقت فرسا وادار می‌شدند و حکومت عثمانی به شیعیان منطقه ظلم های زیادی روا داشت.

شیعیان باید سنگین ترین مالیات ها را پرداخت می‌کردند و بیشترین رده سرباز گیری برای جنگها از شیعیان بود. حکومت عثمانی جوانان شیعه را برای شهوت کشور گشایی خود به جنگ می‌فرستاد و اگر نمی‌رفتند باید مالیاتهای سنگین پرداخت می‌کردند که در حد توان آنان نبود. بنابراین یا از جنگ فرار می‌کردند یا خیل زیادی از آنها ابزار رویاپردازی عثمانی‌ها می‌شدند.

همین‌ها بود که بیشتر شیعیان در مناطق فقیر نشین و با سختی های بسیار زیاد زندگی می‌کردند، فقر و حرمان و بدبختی آنقدر بود که جوامع آنها به صورت روستایی زیر بار ظلم و شکنجه سلاطین عثمانی روزگار می‌گذراندند. همین عوامل باعث شد تا بعضی از خانواده ها به سمت آفریقا مهاجرت و از شر حکومت جبار فرار کنند. عده معدودی از آنها نیز به سمت ایران آمدند.

اما آنهايي هم که ماندند یا در کوهستانها با فقر و فلاکت زندگی گذراندند یا مذهب خود را عوض کردند و به پوشش مذهب اهل سنت درآمدند تا از شر حکومت ظالم طاغوت در امان باشند.

در منطقه شامات - که شامل کشورهای سوریه، لبنان، فلسطین اشغالی و اردن است - طوایف علوی دیده می‌شوند که این طوایف عمدتاً شیعیانی بودند که در گذشته مجبور به تغییر هویت خود شده‌اند. همچنین در سوریه و لبنان با خانواده‌های روبه رو هستیم که سنی مذهب هستند اما از سادات

نشریه دانشجویی خراسان داد



اینستاگرام خراسان داد



کانال تلگرام خراسان داد



همکاری با تحریریه

*مخاطبین گرامی، از آنجایی که چاپ این نشریه با تحمیل هزینه‌هایی به تحریریه همراه است؛ پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید پس از اتمام مطالعه آنرا مجدداً روی پیشخوان قرار دهید.